

جزوه تبلیغی روشنگری هسته‌ای

جزوه پیش رو با هدف آگاه‌سازی عمومی در زمینه مذاکرات هسته‌ای به بیان اجمالی مباحث مورد نیاز برای یک مبلغ هسته‌ای می‌پردازد.

بخش اول: کلیات

الف- ضرورت آگاه‌سازی عمومی:

آگاه‌سازی و روشن‌گری در سطح بدنه مردمی در این برهه به چند دلیل از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است:

نخست رسیدن به مقصودی که مقام معظم رهبری اساساً به خاطر آن، تن به این شیوه از مذاکرات داده‌اند و آن همان عدم اعتماد به بیگانه و اثبات هزاربارہ دشمنی آمریکا، به ویژه برای نسل سوم و چهارم انقلاب:

بنده همچنان که گفتم خوشبین نیستم؛ من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت می‌کنند، کار می‌کنند، قرص و محکم حمایت می‌کنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد می‌افتد (تا) بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزد و موجب -از روی ساده‌لوحی- نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند. ۹۲/۰۸/۱۲

دوم، هجمه رسانه‌ای شدیدی که حامیان مذاکره به شیوه فعلی از شخص ریاست جمهوری تا دیگران، شرایط کشور را به غلط به مذاکرات گره زده‌است. از این رو هرچند طبق نظرسنجی‌ها ملت نیز پس از گذشت دو سال، نسبت به این مذاکرات و احیاناً توافق پیش رو خوشبین نباشند، لکن از آن سو، این تصور در اذهان عمومی ایجاد شده است که در صورت عدم توافق نیز کشور به پرتگاه سقوط خواهد افتاد، تحریم‌ها گسترده‌تر و اوضاع اقتصادی وخیم‌تر شده و احتمال جنگ بالا خواهد رفت و... از این رو هیچ بعید نیست که دشمنان، اقدام به برنامه‌ریزی برای بروز نارضایتی‌های اجتماعی در صورت عدم توافق کنند.

ب- مبنای مطالبه‌گری و آگاه‌سازی:

مبنای مطالبه‌گری از تیم مذاکره‌کننده و نیز آگاه‌سازی مردمی دو مورد اساسی است:

- نخست پیگیری و پافشاری بر اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی نظیر ظلم و استکبار ستیزی، احقاق عزت و استقلال ملی، چشم‌نداشتن به بیگانه و خوداتکایی، تأکید بر دشمنی دشمن (ولو در صورت توافق) و...
- دیگر، پیگیری خطوط قرمزی است که رهبری آن را در خصوص مذاکرات هسته‌ای ترسیم کرده‌اند.

آری، مطالبه‌گری و نقد دقیق حتی در تک‌تک الفاظ و واژگان توافق‌نامه امری است ضروری که البته باید در مجامع نخبگانی و دانشگاهی و فنی مورد بحث قرار گیرد. لکن در سطح عموم جامعه شاید رویکرد نقد فنی متن توافقات (ژنو و لوزان) ما را به سمتی که باید نکشاند؛ هرچند که در مواردی می‌توان به مصادیق موجود در آن استناد کرد.

ج- برخی خطوط قرمز مذاکرات از دیدگاه مقام معظم رهبری:

- ❖ مذاکره با امریکایی‌ها فقط در مورد موضوع هسته‌ای است و نه هیچ موضوع دیگری
- ❖ تحریم‌ها باید در همان روز توافق به طور کامل لغو شوند.
- ❖ توافق نباید مبهم و قابل تفسیر باشد.
- ❖ توسعه علمی و فنی در ابعاد گوناگون باید ادامه یابد.
- ❖ توافق در یک مرحله صورت گیرد و کلیات و جزئیات
- ❖ تأمین نیاز قطعی کشور در زمینه ظرفیت غنی سازی تا ۱۹۰ هزار سو باشد
- ❖ روابط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ایران به صورت متعارف و غیرفوق العاده باشد.
- ❖ اجازه بازرسی از اماکن نظامی و بازجویی از دانشمندان هسته ای داده نشود.

بخش دوم: فناوری هسته‌ای

اگر این نفتی که امروز در اختیار ماست، در اختیار اروپا و امریکا بود، ما برای هر بشکه‌اش باید در مقابل آن‌ها سجده می‌کردیم تا يك بشکه نفت به ما بدهند؛ مگر می‌دادند؟! این‌ها می‌خواهند پانزده سال، بیست سال آینده ملت ایران برای نیاز صنعتی و کشاورزی خود و برای جریان حیات در کشور خود، محتاج آن‌ها باشد؛ برود در خانه‌ی آن‌ها؛ اهمیت انرژی هسته‌ای این است. حالا می‌گویند انرژی هسته‌ای برای درمان و مصارف پزشکی هم به کار می‌رود؛ بله، این‌ها هم است؛ اما این‌ها درجه‌ی چندم است. در درجه‌ی اول این يك نیاز اساسی و اصلی برای کشور ماست. اگر امروز مسئولین و دست‌اندرکاران ما این را تأمین نکنند، بیست سال بعد همه‌ی مردم حق خواهند داشت این‌ها را لعنت کنند. (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۸۵/۱/۱)

من یک خواسته‌هایی از مسئولین داشتم که این را به آنها عرض کردم، گفتم و روی آنها اصرار دارم. یکی این مسئله است که بدانند دست‌آورد کنونی هسته‌ای ما چیز باارزشی است؛ این را بدانند؛ به چشم کم‌ارزش و چیز سبک به آن نگاه نکنند؛ چیز با ارزشی است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور، یک ضرورت است.

اینکه بعضی از روشنفکرها قلم بردارند و قلم بزنند که «آقا ما صنعت هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم» این فریب است؛ این شبیه همان حرفی است که زمان قاجارها وقتی نفت کشف شده بود و انگلیسها آمده بودند می‌خواستند نفت را ببرند، اینجا دولتمرد قاجاری میگفت ما این مادّه‌ی بدبوی عفّن را می‌خواهیم چه کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند! این شبیه آن است. صنعت هسته‌ای برای یک کشور یک ضرورت است؛ هم برای انرژی، هم برای داروهای هسته‌ای که بسیار مهم است، هم برای تبدیل آب دریا به آب شیرین، و هم برای بسیاری از نیازهای دیگر در زمینه‌ی کشاورزی و غیر کشاورزی. صنعت هسته‌ای در دنیا، یک صنعت پیشرفته است، یک صنعت مهم است؛ این را هم بچه‌های ما خودشان به دست آوردند؛ این انفجار ظرفیتهای درونی و استعدادهای درونی بچه‌های ما بود... (۹۴/۰۱/۲۰)

الف- تلقی نادرست از فناوری هسته‌ای:

بعضا تصور کنونی از فناوری هسته‌ای همانند تصور ساده لوحانه‌ای است که در قرن نوزدهم از نفت وجود داشت؛ ماده‌ای سیاه، بدبو و به تعبیر برخی نجاست شیطان که به درد سوزاندن می‌خورد. اما امروزه از همین ماده سیاه بدبو هفتاد هزار محصول تولید می‌شود و با وجود پیدایش فناوری‌های نوین، هنوز طمع استثمارگران بین‌المللی از کشورهای دارای منابع نفتی قطع نشده و استکبار تا کنون آتش چندین جنگ را بر سر آن شعله‌ور کرده است.

در طول سالیان گذشته یک اشتباه راهبردی استفاده از اصطلاح «انرژی هسته‌ای» بوده که به غلط جایگزین «دانش هسته‌ای» شده است و از این رو اذهان مردم را دچار این شبهه می‌کند که آیا این همه هزینه اقتصادی و سیاسی و چالش بین‌المللی ارزش این مقدار تأمین انرژی را دارد یا نه.

ب- فواید فناوری هسته‌ای

اما داشتن تلقی درست از فناوری هسته‌ای و نه انرژی هسته‌ای مستلزم وقوف به دو امر زیر است:

۱. کاربردهای کنونی فناوری هسته‌ای:

- **انرژی:** تأمین انرژی به جای استفاده از سوخت‌های فسیلی، نخستین دستاورد بشر از فناوری هسته‌ای است که تا کنون کشورهای پیشرفته صنعتی بخش عمده‌ای از انرژی مورد نیاز خود را از این طریق تأمین می‌کنند.
- **پزشکی:** تشخیص و درمان بیماری‌ها از جمله انواع سرطان
- در کشور ما بیش از ۸۰۰ هزار نفر نیازمند رادیوداروهایی هستند که برای تولید آن‌ها نیاز به غنی‌سازی ۲۰ درصد است. در سال ۸۹ که ذخیره اورانیوم ۲۰ درصد ایران به اتمام رسید و غربی‌ها از فروش آن به ایران امتناع ورزیدند، با تلاش دانشمندانی همچون شهید مجید شهریاری در داخل کشور به این فناوری دست یافتیم و خودکفا شدیم.
- **کشاورزی:** اصلاح بذرهای کشاورزی، مبارزه با آفات
- **دامپزشکی:** تشخیص و درمان بیماری‌های دامی، اصلاح نژادی
- **صنعت:** نشت‌یابی در جوشکاری‌های حساس از جمله لوله‌های نفت، گاز و ...، تعیین عمر سنگ‌ها، اکتشافات باستانی
- **منابع آب:** شناسایی حوزه‌های آبی زیرزمینی، شیرین کردن آب و ... به ویژه آن که یکی از معضلات جدی اغلب کشورهای دنیا، کمبود منابع آب است.
- **هوافضا:** در صنعت ماهواره و موشک
- **نظامی:** سوخت زیردریایی‌ها و ناوهای جنگی

۲. چشم انداز آینده دانش هسته‌ای:

دستاوردهای کنونی فناوری هسته‌ای قابل قیاس با آینده این دانش نیست. چرا که دانش هسته‌ای، دانش تصرف بشر در کوچکترین اجزای تشکیل دهنده مواد است و از این راه هر تغییری را می‌تواند ایجاد کند. از این رو دانش هسته‌ای را باید بنیادی‌ترین دانشی که به روی بشر باز شده و دریچه‌ای برای ورود به دانش‌های نوین در قرن‌های آینده دانست.

ج- هسته‌ای بهانه است

- تحریم‌هایی که امروز از آن‌ها سخن به میان می‌آید، نه چیز جدیدی اند و نه صرفاً از زمان آغاز مسئله هسته‌ای کشورمان ایجاد شده‌اند. بلکه اولاً کشور ما از روزهای آغازین پس از انقلاب، کشور ما دچار سخت‌ترین تحریم‌ها شده و ثانیاً بهانه این تحریم‌ها در طول زمان موضوعات مختلفی بوده است، از جمله موضوعاتی مانند حقوق بشر، موشک‌های بالستیک، حمایت از جنبش‌های آزادی خواه و...
- فناوری هسته‌ای به نماد قدرت علمی و فناوری کشور تبدیل شده است. کشور ما توانسته با تکیه بر توان خود و در شرایط تحریم، انحصار چندگانه کشورهای قدرتمند را در بسیاری از حوزه‌های دانش و فناوری شکسته و خود را در زمره کشورهای قدرتمند که معادلات آینده دنیا را رقم می‌زنند، جای دهد. از این رو اساس دشمنی کشورهای مستکبر (یا همان ۱+۵) تلاش برای جلوگیری از شکسته شدن این انحصار است.
- در نهایت آن چه مسلم است تحریم‌ها نشانگر تلاش استکبار برای جلوگیری از پیشرفت مقتدرانه و الگوشدن ایران اسلامی است برای سایر ملت‌ها در منطقه به عنوان یک کشوری که بدون وابستگی به بیگانگان بر روی پای خود و در مقابل زیاده‌خواهی و غارتگری آمریکا و اذناش ایستاده است.
- جستارهای سخنان مقام معظم رهبری با این موضوع:

<http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=5502>

بخش سوم: صفر تا صد تحریم

الف- اثر تحریم بر واقعیت اقتصاد کشور:

- موفقیت تحریم: مؤسسه پیترسون وابسته به سازمان جاسوسی آمریکا گزارشی را منتشر کرده که بر اساس آن در حالتی که بیشترین تحریم‌های ظالمانه توسط آمریکا، سازمان ملل و اتحادیه اروپا علیه کشورمان وضع شده، هزینه تحریم‌ها تنها به اندازه حدود ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور است. همچنین نمره‌ای که به میزان تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد

ایران می‌دهند، ۴ از ۱۶ است و نمره‌ای که به موفقیت تحریم‌ها می‌دهند، ۲ از ۴ است و این به معنای شکست تحریم‌هاست.

- نقل اقتصاددانان و رئیس مجلس که بالاترین میزان اثر تحریم، ۲۰ درصد است.
- اساساً تحریم در دنیا بیشتر هدف سیاسی دارد تا اقتصادی و دشمن به دنبال این است تا از طریق اعمال فشار و همچنین وجود ناکارآمدی‌های داخلی، موجب نارضایتی اقشار مردم از حاکمیت و نظام شود.

ب- دو تحریم اصلی:

- تحریم نفتی: که مشکل زیادی را در فروش نفت و در نتیجه محقق کردن درآمدهای کشور ایجاد کرد.
- تحریم بانکی: که در زمینه جابجایی وجوه و مبادلات پولی بین بانک‌های ایران و کشورهای دیگر تحمیل شد.

اما چند نکته:

اولاً این تحریم‌ها صرفاً مرتبط با موضوع هسته‌ای ما نبوده و از این رو برداشته شدن آن‌ها نیز در طول این مذاکرات محل ابهام جدی است؛ کمالین که در نامه‌ای که اواخر سال ۹۳، ۴۷ تن از نمایندگان مجلس آمریکا به رئیس‌جمهورشان زدند، اذعان داشتند که تحریم‌های اصلی ایران، چندوجهی بوده و اساساً تحریمی که صرفاً در ارتباط با موضوع هسته‌ای باشد، وجود ندارد!

ثانیاً برای برون‌رفت از فشار این تحریم‌ها به جای انتظار لغو آن‌ها، باید فکری اساسی برای پوشش آن خلأ کرد:

- راه‌حل اساسی برای تحریم‌های نفتی، عدم اتکا به خام‌فروشی با تقویت تولید داخلی در زمینه‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، دانش بنیان و خدماتی و... کرد. کمالین که اگر تحریمی هم در کار نباشد، کاهش یکباره قیمت نفت، کشور ما را دچار معضلات جدی خواهد کرد که ربطی هم به تحریم ندارد (کمالین که بسیاری اذعان داشتند این گونه که کاهش قیمت نفت در این برهه اخیر اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داد، تحریم نفتی این اثر را نداشت).
- راه‌حل تحریم‌های بانکی نیز انقاعاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه با شرکای تجاری است؛ پیمانی که روسیه در کمتر از یک سال از درگیری‌اش با غرب و تحریم شدن، با حدود ۲۰ کشور منعقد کرد و ما پس از گذشت این مدت، اخیراً به دنبال این کار افتاده‌ایم.

ج- تصور از رفع تحریم:

۱. افزایش سرمایه گذاری:

- اولاً در کل، چه در زمان شدت گرفتن تحریم و چه غیر آن، سهم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ما بسیار اندک است، چیزی کمتر از ۵ درصد کل تولید ناخالص داخلی و این مقوله تأثیر چندانی در واقعیت اقتصاد ایران نخواهد گذاشت.

- ثانیا در همین حدود دو سال از زمان جدی شدن مذاکرات، اتفاقا این شرکت‌های تجاری خارجی بوده‌اند که با هدف تسخیر بازار مصرف بسیار عظیم برای کالاهای خود به ایران آمده‌اند. مثلا در خودروسازی آن دسته از شرکت‌های تولیدکننده قطعاتی وارد بازار ایران شده‌اند که قبلا همان قطعه با کیفیت بالا در داخل تولید می‌شده‌است.

۲. کاهش نرخ ارز:

- اگر این مقوله هم اتفاق بیافتد در عمل زیاد خوشایند نیست، چرا که طبق تئوری‌های اقتصادی، صرفه صادرات را کاهش و در عوض صرفه افزایش واردات را بیشتر می‌کند.

۳. افزایش واردات:

- مطابق آمار، واردات در شرایط تحریم نه تنها کاهش نیافته بلکه بیشتر هم شده است؛ مسئله ای که اولاً در بازار به خوبی مشهود است و ثانيا طبق بررسی‌ها، تولیدکنندگان مشکل واردات مواد خام یا قطعات مورد نیازشان را در رتبه ششم به بعد از معضلات خود می‌دانند.

د- تحریم دشمن تمام شدنی نیست:

- در مذاکرات صحبت از تحریم‌های هسته‌ای است. بخش عمده تحریم‌های ایران از جانب آمریکا و شورای امنیت، اتفاقا تحریم‌هایی به بهانه‌های دیگر مثل حمایت از تروریسم (یا همان کمک به حزب‌الله لبنان و عراق و سوریه و فلسطین و یمن و...)، مسئله حقوق بشر در ایران (به بهانه حصر فتنه‌گران، اعدام قاچاقچیان مواد مخدر، فقدان آزادی‌های مورد نظر غربی‌ها برای زنان، قانون اسلامی قصاص و...) و همچنین توان موشکی ایران (با برد بلند و قابلیت دسترسی به خاک اسرائیل) است.

ه- راه حل تحریم: تکیه بر ظرفیت داخلی و مدیریت جهادی

- با یک نظر دقیق می‌توان دریافت که دشمن در زمینه‌هایی توانسته تحریم و اعمال فشار کند که ما در آن زمینه دچار ضعف بوده یا وابسته بوده‌ایم. مثلا وابستگی کشور به درآمد خام فروشی نفت، بعد از گذشت بیش از ۱۰۰ سال از اکتشاف نفت در ایران باعث شد تحریم نفتی کارساز واقع شود، در حالی که می‌توانیم به درآمد حاصل از صادرات تولیدات کشاورزی، صنعتی و دانشی تکیه کنیم.
- مشکلات اصلی اقتصاد و جامعه ایران هیچ ربطی به تحریم ندارند؛ مشکلاتی نظیر: فسادهای مالی (مثل اختلاس‌های چند هزار میلیاردی)، بروکراسی اداری، ناکارآمدی نظام بانکی (که از یک طرف برای یک وام دومیلیون تومانی کلی ضمانت و سردواندن دارد و از یک طرف ۱۰۰ هزار میلیارد تومان معوقات بانکی دارد)، پرداخت یارانه به میلیاردها و درعوض قطع یارانه نان و بنزین، رهاکردن تولید داخلی، واردات بی رویه کالاهای لوکس خارجی (مثل پورشه و برگزاری نمایشگاه‌های پوشاک ترک و مبل‌مان ایتالیایی و...)، فرار مالیاتی دست کم ۴۰ درصدی در کشور، مؤسسات مالی

- غیرمجاز (که خنده دار است برای زدن یک سوپرمارکت باید از ده جا مجوز بگیریم، اما ۲۰ درصد پول کشور دست مؤسساتی است که اصلاً هیچ مجوزی ندارند و در کل کشور هم شعبه دارند، نمونه اش مؤسسه میزان) و از همه این ها گذشته بودجه های جاری دولت که صرف کارهای بیخود می شود، از جمله همایش ها و سمینارها و... و هزاران مشکل ریز و درشتی که مردم با آن ها دست و پنجه نرم می کنند و هیچ کدام ربطی به تحریم ندارد.
- از آن سو حتی در زمینه هایی که به خارج وابسته بودیم، توانسته ایم به خوبی آن را مدیریت کرده و خود را از گزند تحریم نجات دهیم. مثال بارز آن:
 - تحریم بنزین بود که با مدیریت و طرح سهمیه بندی بنزین علاوه بر خنثی کردن توطئه دشمن، تا حد زیادی مصرف داخلی را نیز کنترل کرد.
 - در نهایت، این که برخی می خواهند همه مشکلات را، حتی آب خوردن مردم را هم به تحریم گره بزنند، دلیلی جز تنبلی و ناکارآمدی ندارد.

و- تحریم های ناموفق:

باید دانست که تحریم های کنونی شدیدترین تحریم هایی بود که دشمن می توانست علیه یک کشور وضع کند و دشمن اساساً به این خاطر پای میز مذاکره آمد که متوجه شد شدیدترین تحریم ها هم نتوانسته ملت ایران را به تسلیم وادار کند.

مطالعه بیشتر: <http://snn.ir/detail/News/418969/190>

بخش چهارم: بی اعتمادی به غرب

الف- تاریخچه اعتماد به غرب:

۱. قرارداد الجزایر (مذاکره بر سر آزادی گروگان های لانه جاسوسی):

آمریکا در سال ۱۳۵۹ و پس از آن که تمام تلاش هایش برای آزادسازی گروگان های لانه جاسوسی اعم از قطع رابطه، تحریم و حمله نظامی طبعی بی نتیجه مانده بود و از آن جا که دولت کارتر نیاز مبرمی به حل این مسئله برای انتخاب مجدد ریاست جمهوری داشت، با واسطه گری الجزایر وارد مذاکره با ایران شد. حضرت امام شروط ۴ گانه ای را برای آزادسازی گروگان ها مطرح کرده بودند: بازگرداندن دارایی های شاه، تعهد به عدم مداخله در امور ایران، آزاد کردن دارایی های ایران در آمریکا و لغو ادعاهای آمریکا علیه ایران.

ایالات متحده اصولاً بیانیه ایران (همان شروط چهارگانه) را می پذیرد. بهزاد نبوی، مذاکره کننده ایرانی که قبلاً گفته بود: «آمریکا متعهد شده است کلیه سپرده های ایران را که براساس حکم رئیس جمهور آمریکا در بانک های آمریکایی و شعب اروپایی آنها توقیف شده است قبل از آزادی گروگان ها به حساب بانک مرکزی کشور ثالث واریز کند»، وقتی با بدعهدی آمریکایی ها مواجه

می‌شود، می‌گوید: «بیانیه الجزایر به امضای دولتین ایران و آمریکا رسیده و رئیس‌جمهور آمریکا فرمان رفع توقیف از سپرده‌های مسدود شده ایران را صادر کرده بود و ما هر لحظه انتظار داشتیم که بانک‌های آمریکایی سپرده‌های ایران را به بانک انگلیسی واریز کنند، تا گروگان‌ها آزاد شوند، اما یادداشت اخیر بانک‌های آمریکایی برای ما کاملاً تازگی داشت و این همان «نارویی» است که خبرگزاری‌های خارجی گزارش می‌دهند»...

سرانجام وقتی که دیگر کارتر از انتخاب مجدد بازمانده و ریگان جای او را گرفته بود، گروگان‌های لانه جاسوسی به آمریکا بازگردانده می‌شوند، اما طرف آمریکایی به تعهدات خود از جمله پرداخت پول‌های بلوکه شده ایران عمل نکرد!

مطالعه بیشتر: <http://www.porseman.org/q/show.aspx?id=118034>

۲. بیانیه سعدآباد

آقای روحانی رئیس‌جمهور که در دوره اول مذاکرات ریاست تیم مذاکره‌کننده را به عهده داشت نیز در مورد عملکرد آژانس در دوره مذکور در کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای چنین می‌گوید: «البرادعی دائماً با انتشار گزارش‌های دو پهلو درباره عملکرد هسته‌ای ایران، نقش مهمی در به درازا کشیدن و حل نشدن این ماجرا داشت و حتی در ماجرای توافق سعدآباد با این که به طرف ایرانی قول داده بود آژانس از کلمه «تعلیق» برای سانتریفیوژهای نطنز، همان تفسیری را ارائه کند که مورد توافق ایران بود، در نهایت تحت فشار آمریکا و اروپا خلاف قولش عمل کرده و با تحمیل تفسیری متفاوت از وعده خود، باعث شد تا چند ماه بعد در توافق بروکسل، عملاً ایران تعلیق گسترده تری را انجام دهد که البته آن توافق هم با عهد شکنی سه کشور اروپایی و فشار آمریکا به شکست انجامید و تنها حاصل آن توافق تعلیق غنی سازی و عقب نشینی ایران بود».

مطالعه بیشتر: <http://didban.ir/fa/news/4148>

۳. سوخت ۲۰ درصد

مقام معظم رهبری، فروردین ۹۲ در جمع زائران حرم رضوی به ماجرای توافق تهران، برزیل و ترکیه اشاره کردند و فرمودند: «این غنی‌سازی ۲۰ درصد، همان چیزی است که در سال ۸۹ آمریکایی‌ها و دیگران برای تولید آن شرط گذاشتند. ما می‌باید برای مرکز اتمی آزمایشگاهی تهران که مال رادیوداروهاست، اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد تهیه می‌کردیم؛ چون سوخت ۲۰ درصدمان تمام شده بود. آن‌ها برای این کار شرط گذاشتند و گفتند باید اورانیومی را که تولید کرده‌اید، خارج بفرستید؛ اما ما قبول نکردیم. آمریکایی‌ها دولت برزیل و دولت ترکیه را واسطه کردند که با ما صحبت کنند، میانه را بگیرند؛ چیزی مورد توافق به وجود بیاید. ما قبول کردیم. مسئولین ترکیه، مسئولین برزیل به این‌جا آمدند و با رئیس‌جمهور ما نشستند بحث کردند، صحبت کردند و یک نوشته‌ای را امضاء کردند. بعد که این توافقنامه امضاء شد، آمریکایی‌ها زدند زیر قولشان! آن‌ها نمی‌خواستند این قرارداد امضاء بشود؛ می‌خواستند امتیاز زیادی بگیرند، زورگویی کنند، باج بگیرند. به خاطر بدقولی‌ای که آمریکایی‌ها کردند، دولت برزیل و دولت ترکیه پیش ما شرمند شدند. ماجرای این ۲۰ درصد این است».

۴. توافق ژنو

طرف ایرانی به همه تعهدات خود در این توافق که در دی ۹۲ امضا شد مبنی بر محدودیت غنی سازی و عدم افزایش سانتریفیوژها عمل کرد اما طرف آمریکایی به تعهدات خود مبنی بر برداشته شدن تحریم قطعات خودرو و هواپیما عمل نکرد. حتی وقتی قرار شد از ۱۰۰ میلیارد دارایی های مسدود شده ایران، فقط ۴/۲ میلیارد را بدهند، آن هم به صورت اقساط، به تعهداتشان هنوز به طور کامل عمل نکرده و آن قسمت از دارایی های ایران هم که پرداخت شد، برخلاف تعهدات، از طرق قانونی و شبکه بانکی نبود، بلکه با شیوه های چمدانی پول هایمان را به کشور بازگرداندیم، که این وسط رانت هایی نیز برای عده ای ایجاد شد.

ظریف دسامبر ۲۰۱۴ یعنی یک سال بعد از توافق ژنو در نامه ای به همتایان غربی خود نوشت: «در حالی که ایران با اجرای کامل تعهدات، سهم خودش در معامله را انجام داده است، آمریکا و اتحادیه اروپا اقدامات بیشتری را جهت حفظ نظام تحریم ها اتخاذ کرده اند». آقای زنگنه (وزیر نفت) هم مدعی شد برخلاف مفاد توافق ژنو، هنوز تحریم های مربوط به نفت و بیمه نفتکش ها برداشته نشده است.

این در حالی است که [باراک اوباما رییس جمهور آمریکا در بهمن ۹۳](#) طی گفتگو با شبکه خبری «سی. ان. ان» گفت: ایران به همه تعهدات خود در چارچوب توافق موقت هسته ای (توافق ژنو) پایبند بوده است. آمانو (رئیس سازمان بین المللی انرژی اتمی) هم در تمام گزارش های دوره ای خودش به انجام کامل تعهدات توافق ژنو از سوی ایران اذعان داشته است.

ب- افزایش تحریم ها در طول مذاکره و پس از توافق ژنو:

بر پایه ی گزارش وزارت خزانه داری آمریکا در طی حدود هشت ماه پس از توافق ژنو بیش از ۵۵ مورد تحریم جدید از سوی آمریکا علیه شرکت ها، بانک ها و افراد با ادعای ارتباط با برنامه ی هسته ای ایران یا مسائل حقوق بشر و تروریسم اعمال شده است. البته این تعداد شامل موارد جزئی نیست که قطعاً تعداد این تحریم ها را افزایش خواهد داد. همچنین اتحادیه اروپا نیز ۱۷ شرکت و فرد را در ارتباط با ایران تحریم کرد. این اتحادیه در تاریخ هشت آذر ۹۲، «شرکت مدیریت ساخت نیروگاه های هسته ای ایران» و ۱۶ شرکت کشتیرانی را با ادعای حمایت از برنامه ی هسته ای و دور زدن تحریم ها، تحریم کرد.

بخشی از تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران پس از توافق ژنو			
ردیف	تاریخ	اسامی تحریم‌شدگان	ادعای آمریکا برای تحریم
۱	۲۱ آذر ۹۲	۴ شرکت خارجی و ۵ نهاد ایرانی	وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که این شرکت‌ها از برنامه‌ی هسته‌ای ایران حمایت می‌کنند
۲	۴ بهمن ۹۲	وضع جریمه‌ی ۱۵۲ میلیون دلاری به بانک کلیراستیم آلمان	به دلیل داشتن مراودات بانکی با ایران
۳	۸ بهمن ۹۲	بانک روسی «بانک ماسکوا» ۹,۴ میلیون دلار جریمه شد	نقض تحریم‌های یک‌جانبه‌ی واشنگتن علیه ایران
۴	۱۷ بهمن ۹۲	۱۸ شرکت و ۱۴ فرد ایرانی	نقض تحریم‌های نقل و انتقال مالی و فروش نفت
۵	۱۷ بهمن ۹۲	یک شهروند تبعه‌ی ترکیه	تلاش برای دستیابی به مهندسی معکوس یک قایق تندرو جنگی برای ایران
۶	۱۷ بهمن ۹۲	چند تن از اعضای سپاه پاسداران	حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی
۷	۹ اردیبهشت ۹۳	۸ شرکت چینی و ۲ شرکت در دبی	دور زدن تحریم‌ها و مبادلات تجاری با ایران
۸	۱۹ تیر ۹۳	درخواست جریمه‌ی ۵۰۰ میلیون دلاری از کومرتس بانک، دومین بانک بزرگ آلمان	به دلیل نقض تحریم ایران که البته هنوز نهایی نشده است
۹	۲۲ تیر ۹۳	جریمه‌ی ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلاری بانک فرانسوی بی ان پی پاریباس	به اتهام مراودات بانکی با ایران

مطالعه بیشتر: <http://1-20.ir/4976>

ج- شبیح تهدید و تحقیر بر مذاکرات:

غربی‌ها و به ویژه آمریکایی‌ها عادت کرده‌اند که هر بار پس از بیرون آمدن از مذاکره به تهدید و تحقیر ملت ایران می‌پردازند. رئیس‌جمهور آمریکا هنوز سخن از روی میز بودن همه گزینه‌ها می‌گوید. مسئله‌ای که متأسفانه پاسخ درستی از سوی مسوولان ایرانی به آن داده نمی‌شود و مقام معظم رهبری خود را مکلف به موضع‌گیری صریح می‌بیند:

«دشمن تهدید می‌کند، همین چندروزه، دو نفر از مقامات رسمی آمریکا تهدید نظامی کردند؛ حالا کار به آن افرادی که مسئولیت‌های خیلی مهم و حساسی ندارند، نداریم. من می‌فهمم مذاکره در زیر شبیح تهدید چه معنایی دارد؟ مذاکره کنیم زیر شبیح تهدید! مثل اینکه یک شمشیری بالای سر (ما) باشد). ملت ایران این‌جوری نیست؛ ملت ایران مذاکره‌ی زیر سایه‌ی تهدید را بر نمی‌تابد».

د- زیاده‌خواهی تمام ناشدنی:

دبه کردن آمریکایی‌ها و زیاده‌خواهی‌های مداوم آن‌ها در طول مذاکره تبدیل به یک امر عادی شده است. نمونه‌ای از عدم پابندی به مفاد توافق ژنو در بیانیه لوزان در رفع تحریم‌هاست:

- دکتر ظریف روز ۹۲/۹/۲۷ در دانشگاه تهران گفت: «تحریم نفتی ایران متوقف می‌شود، درآمدهای نفتی آزاد می‌شود، بر اساس ژنو همه تحریم‌های شورای امنیت و تحریم‌های دو جانبه و چند جانبه برداشته می‌شود. اما در بیانیه لوزان محدود می‌شود: فقط تحریم‌های مالی و اقتصادی، مرتبط با هسته‌ای و ثانویه (یعنی تحریم‌هایی که آمریکا دیگر شرکت‌ها و افراد غیرآمریکایی را از تبادل با ایران منع کرده بود).
- مقامات ایرانی چندین بار از دبه کردن آمریکایی‌ها در طول مذاکرات پرده برداشته‌اند، اما در مهمترین اظهارنظر، رئیس جمهور در کنفرانس خبری ۲۳ خرداد ۹۴ می‌گوید:

«یک اشکالی که وجود دارد این است که طرف مذاکره کننده، در برخی از موارد که در یک چارچوبی به تفاهم می‌رسیم در جلسه بعدی در آن مورد به چانه‌زنی برمی‌گردد و این کار را عقب می‌اندازد و مذاکرات را طولانی‌تر می‌کند. اگر طرف مقابل، به چارچوب‌هایی که قبلاً مورد تفاهم بوده، متعهد بماند و موارد جدیدی را وارد مذاکره نکند، می‌توانیم به توافق برسیم اما اگر بخواهد در مسیر چانه‌زنی‌های بیهوده باشد، ممکن است مذاکرات را طولانی‌تر کند».

- بیان قرآنی: «ولن ترضی عنک الیهود و لالنصارى حتى تتبع ملتهم»

ه- مذاکره، تجربه تاریخی برای ملت:

مقام معظم رهبری به دو علت حاضر به مذاکراتی شدند که به زعم ایشان نه تنها نفعی برای ملت نداشته بلکه حاوی ضرر هم بوده است. یکی اصرار و رویه دولت برآمده از رأی مردم و دیگری کسب تجربه‌ای برای ملت، به ویژه نسل‌های سوم و چهارم انقلاب که تجربه دخالت‌ها و دشمنی‌های مستقیم آمریکا و غرب را ندیده‌اند و به این وعده اعتماد کردند که می‌توان با مذاکره و تعامل با دشمن، چرخ اقتصاد را چرخاند.

- گفتم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند. ما هم به اذن‌الله ضرری نمی‌کنیم. یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است که...این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد. (۱۳۹۲/۸/۱۲)
- گفتیم خیلی خب، اصرار دارید شما، در این موضوع بالخصوص بروید مذاکره کنید. (۱۳۹۲/۱۱/۲۸)
- من البته هیچ‌وقت نسبت به مذاکره‌ای با آمریکا خوشبین نبودم. نه از باب یک توهم بلکه از باب تجربه؛ تجربه کردیم. (۱۳۹۴/۱/۲۰)
- من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید. (۱۳۹۲/۸/۱۲)

و- یک نگرانی و یک راه حل:

روشن و عینی بودن تعهدات ما در مقابل ابهام تعهدات طرف مقابل؛ یعنی ما مثلاً تعداد سانتیفریورها را کم می کنیم که قابل شمارش است، اما آن ها قرار است تعهد بدهند که از مبادله شرکت های خارجی با ما جلوگیری نکنند.

از آن طرف، تعهدات ما هزینه بر بوده و بازگشت به حالت اولیه بسیار سخت و زمانبر است، در حالی که آن ها قرار است صرفاً یک دستورالعمل اجرایی یا یک قانون را لغو کنند!

اما راه حل آن است که تعهدات مرحله به مرحله، قابل ارزیابی باشد و ایران تعهداتی را قبول کند که قابلیت بازگشت پذیری آسان تری داشته باشد. مثلاً به جای درآوردن قلب راکتور اراک، آن را تعلیق کرده و با همکاری کشورهای دیگر، راکتور با شرایط مورد نظر را طراحی و بسازند و سپس راکتور قبلی را منهدم کنند. اساساً تعلیق و پلمپ کردن درب هر کدام از تأسیسات به مراتب بازگشت پذیرتر از تغییر اساسی فرآیند آن است.

بخش پنجم: شبهات هسته‌ای

۱. عدم توافق موجب جنگ می‌شود:

آقای عراقچی جلوگیری از وقوع جنگ و حمله نظامی به کشورمان را از جمله مهمترین دستاوردهای تیم مذاکره کننده در ۲ سال اخیر دانسته‌اند. نکته‌ای که اذهان خیلی‌ها را در توجیه توافق به هر قیمتی درگیر خود کرده است.

• اولین نکته قابل توجه در چارچوب این استدلال این است که بر طبق تفاهم انجام شده در لوزان اصولاً ایران از ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل خارج نخواهد شد و صرفاً شش قطعنامه صادره قبلی لغو و یک قطعنامه جدید که باز هم ذیل فصل هفتم است جایگزین آن خواهد شد که هم به محدودیت‌های وضع شده در قالب طرح برنامه جامع مشترک علیه برنامه هسته‌ای کشورمان رسمیت بین‌المللی خواهد داد و هم برخی تحریم‌ها و محدودیت‌های وضع شده در قطعنامه‌های قبلی (از جمله تحریم‌های موشکی، تسلیحاتی و فناوری) در این قطعنامه جدید تجمیع خواهد گشت. تنها تفاوت در این است که شش قطعنامه قبلی از طرف کشورمان غیر قانونی تلقی می‌شد و قطعنامه جدید با تایید ایران تصویب خواهد گشت. به عبارت بهتر پذیرش قطعنامه جدید فصل هفتمی توسط ایران از یک سو به این معنی است که کشورمان خود را به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی پذیرفته‌است و از سوی دیگر موظف به رعایت تحریم‌های جدید وضع شده بر برنامه موشکی و فعالیت‌های فناوری در این قطعنامه است.

• مهمترین نکته در نقد چارچوب این استدلال مذاکره کنندگان محترم این است که در واقع آن چه در طول سال‌های مختلف پس از انقلاب مانع حمله نظامی امریکا و متحدانش به ایران شده است قدرت بازدارندگی و توان دفاعی مردمی کشورمان است.

این قدرت و توان به شکلی بوده است که آمریکا و متحدانش در محدود جنگ‌های نیابتی خود در طول این سال‌ها (به عنوان مثال جنگ سی و سه روزه در لبنان و جنگ سوریه و یمن) نه تنها نتوانستند آن طور که وزیر محترم خارجه ادعا می‌کند با یک بمب کل سیستم دفاعی کشورمان را از بین ببرند، بلکه شکست‌های سختی را از ایران و متحدانش در منطقه متحمل شدند. لذا اصولاً اگر آمریکا یا کشورهای متحدش توان حمله نظامی به ایران را داشتند، صرف عدم وجود قطعنامه فصل هفتمی سازمان ملل مانع آنها نمی‌شد.

۲. رهبری بر مذاکرات نظارت دارند و جای نگرانی نیست

درست است که:

- رهبری از اصل مذاکره ای که تأمین کننده منافع ملی باشد، حمایت کرده و می‌کنند.
- رهبری تیم مذاکره کننده را فرزندان انقلاب می‌دانند و از ایشان هم حمایت کرده اند.

اما:

- از همان روز اول رهبری اعلام کردند که به این مذاکرات خوشبین نیستند و این هم ناشی از تجربه ای بود که ما در روابطمان با آمریکا و غرب داشته‌ایم.
- رهبری دخالتی در جزئیات مذاکره ندارد و صرفاً خطوط کلی را مشخص می‌کنند:

بنده در جزئیات مذاکره دخالتی نکردم، بازهم نمیکنم؛ من مسائل کلان، خطوط اصلی، چهارچوب‌های مهم و خط قرمزها را به مسئولین کشور همواره گفته ام؛ عمدتاً به رئیس جمهور محترم که ما با ایشان جلسات مرتب داریم، و موارد معدودی هم به وزیر محترم خارجه؛ خطوط اصلی و کلی. جزئیات کار، خصوصیات کوچک که تأثیری در تأمین آن خطوط کلان ندارد، مورد توجه نیست؛ اینها در اختیار آنها است، میتوانند بروند کار کنند. اینکه حالا گفته بشود که جزئیات این مذاکرات تحت نظر رهبری است، این حرف دقیقی نیست. (۱۳۹۴/۰۱/۲۰)

- مهمتر از همه مواجهه رهبری با دولتی است که از یک سو برآمده از آرای مردم است و می‌تواند خواسته خود را خواسته جمهور مردم نشان دهد و از سوی دیگر دولت، درست یا غلط، مُصر است تا مذاکرات را به هر نحوی تا حصول توافق به پیش ببرد، که این خود چند نشانه دارد:

- اظهارات شخص رئیس جمهور و اعضای دولت در وابسته کردن شرایط کشور به مذاکرات: تا جایی که حتی آب خوردن مردم را هم به مذاکره و تحریم گره می‌زنند!
- عدم پاسخ مناسب در شرایطی که غربی‌ها مدام دبه درمی‌آورند و نه تنها به تعهدات خود پایبند نیستند، بلکه تحریم‌های جدید علیه ایران وضع می‌کنند؛
- عدم پاسخ مناسب به ادبیات تهدید و تحقیر ملت از سوی آمریکایی‌ها در طول مذاکره
- و حتی در شرایطی که رهبری صراحتاً اعلام می‌دارد:

من به مذاکره خوشبین نیستم

رابطه با آمریکا و مذاکره با این کشور به جز در موارد خاصی برای جمهوری اسلامی نه تنها هیچ نفعی ندارد بلکه ضرر هم دارد و کدام عاقلی است که دنبال کار بی‌منفعت برود!؟

من نمی‌فهمم مذاکره در زیر شبح تهدید چه معنایی دارد؟

نباید نیازمندی‌های کشور و برخی مسایل همچون تحریم‌ها، به مذاکره گره زده شود.

- وجود نهادهای قانونی نظیر مجلس که می‌تواند بر معاهدات بین‌المللی نظارت کند، از دیگر عللی است که رهبری را از مواجهه صریح بازمی‌دارد. چه بسا که دشمن و رسانه‌های معاند به دنبال این باشند که عدم توافقی را که منجر به بهبود اوضاع جامعه می‌شد، به گردن رهبری بیاندازند و از این رو فتنه داخلی را رقم بزنند.
- رهبری شرایط جامعه و به خصوص نخبگان را رصد می‌کنند و مصلحت را می‌سنجند. چرا که از اساس، علت تن دادن ایشان به مذاکراتی که خود به آن بدبین بودند، به همین دلیل بود:

گفتم من اعتماد ندارم، خوشبین نیستم به مذاکره، لکن می‌خواهند مذاکره کنند، بکنند. ما هم به اذن‌الله ضرری نمی‌کنیم. یک تجربه‌ای در اختیار ملت ایران است که... این تجربه ظرفیت فکری ملت ما را بالا خواهد برد. (۱۳۹۲/۸/۱۲)

- و در آخر این که رهبری حتی با لحاظ شرایط، ممکن است از خطوط قرمزی که خود آن را ترسیم کرده بود، کوتاه بیاید؛ نظیر:

- دو مرحله‌ای شدن توافق (که همگان قائلند که بیانیه لوزان در واقع «توافق» بر سر کلیات بود، هرچند الزام حقوقی نداشت)،
- ظرفیت غنی‌سازی حداقل ۱۹۰ هزار سویی (که باز بر اساس بیانیه لوزان بخش بسیار اندک آن محقق شده است)،
- متعارف بودن نظارت‌ها (که بر طبق بیانیه لوزان، سخن از دسترسی‌های بیشتر به مراکز غیرهسته‌ای به میان آمد) و...
- بحث تحقیق و توسعه (که باز مطابق جزئیات منتشرشده آمریکا از بیانیه لوزان، تحقق کامل نیافته است) و...



جنبش مطالبه احقاق حقوق ملی

www.heyhat.info

۰۹۱۰۴۴۹۱۵۶۸